

مقایسه سند چشم‌انداز دوحه و تهران؛

۵ مولفه مهم برای افزایش قدرت نرم ایران

شامگاه جمعه، ۲۲ دی ۱۴۰۲ در هاوس «گفتارها» در شبکهٔ اجتماعی کلاب هاوس، نشست با عنوان «قطر چگونه قطر شد؟ نقش دوحه در دنیای متحول» با سخنرانی آقایان حمید دهقانی، کارشناس ارشد خاورمیانه و خلیج فارس و سفیر سابق ایران در قطر، امیرعلی امیری، کارشناس اقتصادی و کارآفرین، حسام‌الدین آشنا، مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور سابق و دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) و مجید تفرشی تاریخ‌نگار و موسس هاوس گفتارها برگزار شد.

در ابتدای این نشست، امیرعلی امیری با بیان اینکه ایران با قطر قابل مقایسه نیست و قطر را باید با دویی، هنگ‌کنگ و سنگاپور مقایسه کرد، به بررسی مؤلفه‌های اقتصادی قطر پرداخت و گفت: ایران را باید با ترکیه و عربستان و اندونزی مقایسه کرد نه قطر؛ قطر از جمله اقتصادهای کوچکی است که منابع طبیعی رآنتی خوبی دارد. GDP (تولید ناخالص داخلی) قطر حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است؛ دویی، ۱۲۷ میلیارد دلار (کل امارات؛ ۵۰۰ میلیارد دلار)، هنگ‌کنگ، ۳۶۰ میلیارد دلار و سنگاپور ۴۰۰ میلیارد دلار است. پس در این شاخص، قطر خیلی خوب نیست. جمعیت قطر هم حدود سه میلیون نفر است که از این تعداد، چهارصد و پنجاه هزار نفر از آن قطری هستند و باقی مهاجرند؛ امارات هم ده میلیون نفر جمعیت دارد که فقط یک میلیون آن اماراتی هستند. در حالی که هنگ‌کنگ ۹۰ درصد چینی دارد، سنگاپور، ۸۰ درصد چینی و مالایایی هستند؛ این یکی از تفاوت‌های مهم کشورهای مثل قطر و امارات و کویت با سنگاپور و هنگ‌کنگ است. قطر پس از رفع محاصرهٔ کشورهای همسایه‌اش، از خود یک رشد سیاسی نشان داد. سپس حمید دهقانی سخنان خود را آغاز کرد و گفت: یکی از مهم‌ترین اهداف دولت قطر از میزبانی جام جهانی و جام ملت‌های آسیا این بود که نام قطر را بلندآوازه کند. دهقانی در ادامه به اقدامات نوین قطر اشاره کرد: احیای مجدد قطریابروز در سال ۱۹۹۷، که در سال ۱۹۹۳ افتتاح شد، ولی فقط ۴ هواپیماداشت. خطوط هوایی قطر اکنون بیش از ۲۰۰ هواپیمادارد و به ۱۵۰ نقطهٔ مسافر می‌برد، تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری قطر در سال ۲۰۰۵ که اکنون یکی از ۱۰ صندوق سرمایه‌گذاری برتر در دنیاست. جز این اقدامات در بعد سیاسی نیز قطر توانسته است یک لابی در آمریکا ایجاد کند؛ همچنین نقش یک میانجی را در سطح جهان ایفا نماید؛ مثل میانجی‌گری بین طالبان و آمریکا؛ یا میانجی‌گری بین ایران و آمریکا بر سر تبادل زندانیان. رهبران حماس نیز سال‌هاست که در دوحه مستقرند؛ قطر تأمین مالی غزه را نیز برعهده دارد و توانسته این نقش را نیز در بین کشورهای منطقه برای خود جا بیندازد؛ در جنگ کنونی حماس با اسرائیل هم تبادل اسرا میان طرفین با واسطه‌گری قطر بود. قطر آرزو دارد روزی برای ایران و آمریکا هم میانجی‌گری کند؛ زیرا افزایش تنش میان آمریکا و ایران را به سود خود نمی‌داند.

◀ سیاست ایران در جریان محاصره قطر

سفیر پیشین ایران در قطر، در مورد روابط ایران و قطر گفت: ایران برخلاف برخی دیگر از کشورهای خلیج فارس، هیچ‌گاه با قطر اختلاف دو جانبه مستقیم نداشته است؛ یعنی مثلاً بر سر مسائل مرزی یا حج یا فلسطین با قطر به مشکل برخورد داشته است. قطر در زمان جنگ ایران و عراق کنار اعراب ایستاد نه در کنار ما. همچنین بین ما و قطر تداخل جمعیتی هم وجود دارد؛ حدود ۳۰ هزار ایرانی اکنون در قطر ساکن هستند؛ برخی از ایرانیان با اینکه حتی پدر پدزگشان هم در قطر متولد شده است؛ تابعیت قطری ندارند؛ چون قطر خیلی سخت تابعیت می‌دهد؛ اما ایرانیانی هم بودند که توانستند تابعیت قطری بگیرند و بعد هم در مناصب حکومتی عهده‌دار مسئولیت شوند. به گفته دهقانی، اگرچه ایرانیان در قطر محدودیت‌هایی دارند، اما به‌طور کلی مردم قطر نسبت به ایران نظر مثبت دارند؛ حتی یکی از شیوخ قطر می‌گفت در سال‌های دور تمام نیازهای ما از ایران تأمین می‌شد؛ خصوصاً از سال ۲۰۱۷ که قطر محاصره شد و به کمک ایران بود که توانست مقاومت کند، ایرانی‌ها احترام بیشتری در قطر پیدا کردند؛ در همین راستا ممکن است برخی بگویند ما از محاصره قطر نتوانستیم به سود اقتصادی مناسبی برسیم؛ درست هم می‌گویند؛ اما باید در نظر داشت اساساً سیاست ما در این مسئله بر مبنای سودمندی نبود و ثانیه‌تحریم‌ها و فشار آمریکا هم سبب شد تا ایران نسبت ترکیه سود کمتری به‌دست بیاورد.

◀ سند چشم‌انداز قطر ۲۰۳۰ را با سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران مقایسه کنید

حسام‌الدین آشنا بود. در مورد قدرت نرم قطر گفت: وقتی از قدرت نرم صحبت می‌کنیم، باید ۵ مؤلفهٔ اصلی (منابع قدرت نرم) را در نظر گرفت: فرهنگ، دیپلماسی، برندسازی، گردش‌گردی و تجارت. کشوری که می‌تواند از این مؤلفه استفاده کند، قدرت نرم او قابل سنجش با دیگران می‌شود. در مورد قطر، توجه به این منابع برای همهٔ ما مهم باشد. مثلاً در حوزهٔ تجارت، ما شاهد شرکت‌های فراملی، نیروی کار منعطف، زیرساخت پیشرفته، فناوری، ایمنی و امنیت، مقررات زدایی و حذف منابع تجاری هستیم. آشنا افزود: بدین ترتیب قطر بدون درگیری با کشورهای دیگر توانست یک سیطره‌ای بر مد کشورهای عرب پیدا کند و صدای جهان عرب باشد و بعد به تدریج «الجزیرهٔ قطر» تبدیل شد به «قطر الجزیره» و سیاست خارجی قطر را نمایندگی کرد. وزیر خارجهٔ قطر هم در آن زمان، در سفرهایش از مسئولان کشورهای دیگر وقت می‌گرفت تا با الجزیره مصالحه کنند. الجزیره در یک رویکرد پیشرو توانست عملاً جهان عرب را پدیده‌ای به اسم آزادی رسانه‌ای، رسانهٔ انتقادی و آزادی بیان در سطح رسانهٔ منطقه‌ای آشنا کند. پشتوانهٔ این آزادی دولت قطر بود، در حالی که الجزیره درون کشور قطری خیلی آزاد نبود. بنابراین تصویری از قطر در جهان عرب ساخته شد به عنوان امید جهان عرب. قطر در دیپلماسی هم سیاست واسطه‌گری را در پیش گرفته و هزینهٔ سنگینی متحمل شده تا کشورهای دیگر به آن، به عنوان مرکز تبادل نگاه کنند. آشنا گفت: پیشرفت‌های قطر بر اثر حادثه نبوده است؛ بلکه مبتنی بر برنامه‌ریزی بود. در سال ۲۰۰۷ قطر سندی تنظیم کرد برای سال ۲۰۲۰. چشم‌انداز تعریف کرد که قطر در این سال کشوری پیشرفته باشد که توانایی امتداد توسعه دارد و در نسل‌های آتی هم بتواند رفاه و آسایش را برای مردم کشورش فراهم کند.

حسین انصاری راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دغدغه انتخاباتی مردم نسبت به گذشته تغییر کرده است

روندکنار گذاشتن اصلاح‌طلبان از قدرت از مجلس هفتم آغاز شد

اصلاح‌طلبان تنها در انتخابات رقابتی شرکت خواهند کرد



آرمان ملی- احسان انصاری: جریان‌های سیاسی چگونه می‌خواهند مردم را به صحنه انتخابات بکشانند؟ آیا فضای سیاسی واجتماعی کشور به شکلی است که جریان‌های سیاسی روی حضور پرشور مردم در انتخابات حساب کنند؟ یا توجه به ردصلاحیت بسیاری از اصلاح‌طلبان در انتخابات این جریان چه رویکردی نسبت به انتخابات آینده خواهد داشت؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با حجت‌الاسلام حسین انصاری‌راد، نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده است. انصاری‌راد معتقد است: «در گذشته شاید می‌شد مردم با گشایش‌های هرچند کوچک پای صندوق‌های رأی آورد اما اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در کشور رخ داده باعث شده نگاه‌ها متفاوت شود و دیگر مانند گذشته نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که چهره‌های اصلاح‌طلب را ردصلاحیت کرد و در عین حال انتظار داشت مردم در انتخابات نیز مشارکت بالا داشته باشند. فضای اجتماعی و سیاسی کشور به شکلی است که حتی اگر چهره‌های اصلاح‌طلب نیز تأیید شود نمی‌توان انتظار حضور حداکثری مردم را در انتخابات داشت.» در ادامه محاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

▶ با توجه به فضایی که برای انتخابات آینده وجود دارد ارزیابی شما از میزان مشارکت مردم در انتخابات به چه صورت است؟ جریان‌های سیاسی چگونه می‌توانند در فرصت باقی‌مانده مردم را بیشتر برای حضور در انتخابات دعوت کنند؟

انتخابات مجلس یازدهم و همچنین انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ به شکلی برگزار شد که جریان‌های سیاسی و به‌خصوص جریان اصلاحات از نمایندگان محدودی در انتخابات برخوردار بودند و به همین دلیل انتخابات در شرایط برابر برگزار نشد. به همین دلیل نیز میزان مشارکت در این دو انتخابات نسبت به گذشته کاهش داشت. بدون تردید باید تضارب آرا و اختلاف سلیقه وجود داشته باشد. از دل همین اختلاف سلیقه‌های اصولی و منطقی است که تصمیمات صحیح بیرون می‌آید. با این وجود پس از مجلس ششم شرایطی در انتخابات مجلس رخ داد که اصلاح‌طلبان نتوانستند با حداکثر توانایی خود در انتخابات حضور پیدا کنند و شرایط به شکلی رقم خورد که همواره با محدودیت مواجه بودند. این محدودیت‌ها در برخی مقاطع مانند مجلس دهم تا حدودی کمتر شد، اما در اغلب انتخابات این محدودیت‌ها وجود داشت. نتیجه این محدودیت‌ها نیز تشکیل مجلس یازدهم است که از اکثریت اصولگرایان تشکیل شده و تاکنون نتوانسته اقدام مناسبی برای بهبود وضعیت کشور انجام دهد. واقعیت این است که پس از انتخابات مجلس ششم اصلاح‌طلبان را از صحنه انتخابات کنار گذاشتند و تا امروز نیز این وضعیت با اندک تفاوت وجود داشته است. این وضعیت در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نیز وجود داشت. این عامل به همراه ناکارآمدی‌هایی که در گذشته وجود داشت باعث شده امید مردم نسبت به آینده کاهش پیدا کند.

◀ جریان اصلاحات مانند انتخابات اخیر را رد صلاحیت افراد خود مواجه شده است. در چنین شرایطی اصلاح‌طلبان باید چه رویکردی نسبت به انتخابات داشته باشند؟

با توجه به وضعیت ردصلاحیت‌ها و شرایط اجتماعی و سیاسی کشور احتمال اینکه اصلاح‌طلبان در انتخابات مشارکت کنند کم است. اصلاح‌طلبان تنها در انتخاباتی شرکت خواهند کرد که رقابتی باشد و همه جریان‌های قانونی کشور بتوانند در آن با ظرفیتی که در اختیار دارند مشارکت کنند. در انتخابات چند دوره اخیر قید و بندهایی برای اصلاح‌طلبان در نظر گرفته شد که این جریان سیاسی نتوانست با همه ظرفیت‌های خود در انتخابات مشارکت کند. این در حالی است که جریان اصلاحات تمایل داشت در انتخابات شرکت کند در شرایط کنونی مردم ایران دغدغه‌هایی دارند که با گذشته تفاوت پیدا کرده است. در گذشته شاید می‌شد مردم با گشایش‌های هرچند کوچک پای صندوق‌های رأی آورد اما اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در کشور رخ داده باعث شده نگاه‌ها متفاوت شود و دیگر مانند گذشته نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که چهره‌های اصلاح‌طلب را ردصلاحیت کرد و در عین حال انتظار داشت مردم در انتخابات نیز مشارکت داشته باشند. امروز کشور در شرایطی قرار دارد که اگر قرار است انتخابات برگزار شود شرایط و جوانب این انتخابات باید مورد تأیید نخبگان و کارشناسان کشور قرار داشته باشد. اگر چنین شرایطی فراهم نباشد نمی‌توان شاهد برگزاری یک انتخابات پرشور بود. فضای سیاسی کشور به شکلی است که حتی اگر چهره‌های اصلاح‌طلب نیز تأیید شوند نمی‌توان انتظار حضور حداکثری مردم را در انتخابات داشت. به هر حال در سال‌های اخیر مردم با چالش‌های متعددی در زندگی خود مواجه بوده‌اند که در سال‌های اخیر و در دولت سیزدهم و مجلس یازدهم به جای اینکه کاهش پیدا کند افزایش نیز داشته است.

◀ در چنین شرایطی چگونه می‌توان مردم را به حضور در انتخابات تشویق کرد؟

اگر واقع‌بینانه به موضوع نگاه کنیم عملکرد اصولگرایان به شکلی بوده که بین مردم امید ایجاد نکرده است. به‌هر حال آقای رئیسی در رقابت‌های انتخاباتی و در مناظره‌های تلویزیونی وعده‌هایی به مردم دادند. با این وجود مسیری که ایشان در مدیریت کشور در پیش گرفته‌اند امیدواری و رضایت‌مندی در بین مردم ایجاد نکرده است. در مدتی که آقای رئیسی سکان مدیریت کشور را به‌دست گرفته‌اند نه تورم کاهش پیدا کرده و نه دیگر مشکلات اقتصادی مردم کاهش پیدا کرده است. اتفاقاً روند مشکلات همچنان سیر صعودی دارد و مردم در زندگی خود با تنگناهای زیادی مواجه هستند. اگر دولت تاکنون دستاوردی داشته باید در زندگی مردم خود را نشان بدهد. تنها در چنین شرایطی است که مردم نسبت به آینده امیدواری ایجاد می‌کنند و از عملکرد دولت رضایت پیدا می‌کنند. امروز همه مشکلات کشور به‌سیاست خارجی گره خورده است. این در حالی است که نباید همه مسائل کشور به سیاست خارجی گره بخورد و دولت هرچه زودتر باید از این مسیر عبور کند و مدیریت کشور را از اسارت سیاست خارجی رها کند. در شرایط کنونی جامعه

◀ اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات حضور کم‌رنگی داشته باشند آینده این جریان در چه وضعیتی قرار می‌گیرد؟

اگر به گذشته نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که

باید تضارب آرا و اختلاف سلیقه وجود داشته باشد. از دل همین اختلاف سلیقه‌های اصولی و منطقی است که تصمیمات صحیح بیرون می‌آید. با این وجود پس از مجلس ششم شرایطی در انتخابات مجلس رخ داد که اصلاح‌طلبان نتوانستند با حداکثر توانایی خود در انتخابات حضور پیدا کنند و شرایط به شکلی رقم خورد که همواره با محدودیت مواجه بودند. این محدودیت‌ها در برخی مقاطع مانند مجلس دهم تا حدودی کمتر شد، اما در اغلب انتخابات این محدودیت‌ها وجود داشت. نتیجه این محدودیت‌ها نیز تشکیل مجلس یازدهم است که اکثریت اصولگرایان تشکیل شده و تاکنون نتوانسته اقدام مناسبی برای بهبود وضعیت کشور انجام دهد

ایران وارد جنگ نخواهد شد



پدالله کریمی‌پور

کارشناس مسائل بین‌الملل

۱۲ژانویه آمریکا و بریتانیا در عملیاتی مشترک، با پشتیبانی بحرین، استرالیا، کانادا و هلند، از دریا، هوا و زیردریا، ۶۰ هدف، در ۱۶ مکان یمن را مورد حمله موشک‌های تاماهاوک قرار دادند. بدین ترتیب ۱۲ سایت یمنی‌ها مورد اصابت قرار گرفت. در این باره نظرات گوناگونی وجود دارد خواندنش راهگشا و نویدبخش است. نخست آن همین چند هفته پیش، یعنی در ۱۷ دسامبر مطلبی با عنوان: غزه به حاشیه خواهد رفت هم تصویب قطعنامه علیه یمنی‌ها و اجماع جهانی علیه صنعا صریح شد و هم تأکید شد که چماق جنگ بر سر یمنی‌ها فرود خواهد آمد. بر این نکته هم تأکید شد که قدرت‌های دریا-پایه همچون آمریکا، بریتانیا و نیز چین به هیچ‌روی اجازه استمرار ناامنی در باب‌المنندب را نخواهند داد و به زودی علیه یمنی‌ها وارد کارزار خواهند شد. نکته دوم و خواندنی‌ترین این است که طی ۲۲ سال اخیر، هیچ بیابانه و واکنشی محتاط‌تر و بر هراس‌تر از بیابانه‌های این دو قدرت بزرگ دریایی تاریخ و امروز جهان، یعنی آمریکا و بریتانیا در مورد حملات به یمن ندیده‌بوم. واکنش و بیانه‌هایی سرشار از رعب و بلکه وحشت و هراس، آمریکایی‌ها بی‌درنگ گفتند: ضربات ما علیه اهداف یمنی پایان پذیرفت. جو بایدن حملات گسترده اف-۲۲ها و شلیک موشک‌ها از زیردریایی‌ها را حرکتی دفاعی و بازدارنده و موقت شمرد. ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا مدعی شد حملاتش به یمن محدود، دفاعی، بازدارنده و صرفاً متوجه اهداف نظامی بود. دستکم ۵ عضو برجسته کنفره و مجلس نمایندگان بایدن را به خاطر حمله به یمن محکوم کرده‌وآن را غیرقانونی خواندند. سوم اینکه بیشتر کارشناسان و رسانه‌های معتبر این حمله را مقدمه و تمهیدی در جهت منطقه‌ای شدن جنگ و ورود ایران و حزب‌ا... پیش‌بینی می‌کنند. از جمله در این باره ۴ پرسش اساسی مطرح شده است: نخست اینکه: آیا یمنی‌ها زین پس عقب‌نشینی خواهند کرد؟ دوم اینکه: آیا حاصل غزه و یمن و لبنان، جنگ منطقه‌ای با مشارکت جمهوری اسلامی خواهد بود؟ سوم: آیا ارتش یمن اهداف منطقه‌ای و شناورهای آمریکا را هدف قرار داده و بایدن را ناگزیر به عقب نشینی خواهند کرد؟ و در نهایت: آیا تنش، منازعه و درگیری بدون اوجگیری، در حالت معمول و عادی استمرار خواهد یافت؟ در گذر از سخنان اردوغانکه همواره همچون کرکس چشمانش را بر ایران متمرکز کرده در انتظار اشتباه استراتژیک تهران است، به اغلب احتمال، نه جنگ منطقه‌ای درخواهد گرفت و نه جمهوری اسلامی آن چنان نا بالغ است که با طناب بوسپیده ترکیه وارد چاه پستی انتهای درگیری منطقه‌ای شود. یادآوری می‌شود که اردوغان روز جمعه در ارتباط با جنگ آنگلسفرها بر یمنی‌ها، با ظاهری مخالف با آمریکا و بریتانیا گفت: اتفاقی که افتاد استفاده نامتناسب و نامتوازن از قدرت بود، همان کاری که اسرائیل در غزه می‌کنه. باید ببینیم که ایران چگونه از خود دفاع خواهد کرد؟ این ظالمان هستند که زیان دیده و شکست خواهند خورد و مظلومین هیچ وقت ضرر نمی‌کنند. ولی چرا کمترین ضرورتی به ورود ایران به جنگ نیست و اتفاقاً چنین اتفاقی هم رخ نخواهد داد؛ یمنی‌ها این قدر عاقل هستند که بداندند آمریکا، بریتانیا و بلکه ناتو از ورود به جنگی فراگیر، درازمت و زمینی پرهیز داشته و آن را به سود روسیه و چین می‌دانند. از طرفی بر اساس برآوردهای واقعی از تأثیر حمله، به زیرساخت‌های غیر نظامی و نظامی ارتش یمن آسیبی جدی وارد نشده است. آنان در پی چند سال حملات فوج سنگین ائتلاف عربی، به ویژه عربستان و امارات، آبدیده شده‌اند. بنابراین ۶ کشته، در برابر هزاران کشته پیشترها، نمی‌تواند مددی برای شروع جنگ مستقیم منطقه‌ای باشد؟ جالب اینکه واکنش ایران و حزب‌ا... به حملات به یمن هم عادی بود؛ برای جمهوری اسلامی باید روشن باشد که اوجگیری جنگ در باب‌المنندب برای آمریکا بس مفید است. زیرا صادرات نفت و گاز مایع ایالات متحده از مسیر اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه صورت می‌گیرد که از صحنه جنگ دور است. حتی گران شدن بهای نفت به سود آمریکاست. این چین و اتحادیه اروپایی و کشورهای حوزه خلیج فارس هستند که بیش‌ترین ضررها را متحمل خواهند شد؛ همچنین هزینه‌های جنگ جدای از اسرائیل، برای آمریکا و بریتانیا در حال افزایش است. این دو علاوه بر پشتیبانی جدی از اسرائیل، ناگزیرند در عراق و سوریه و یمن بجنگند. این بی‌آنکه ایران حضوری مستقیم در اینها داشته باشد. به هر روی احتمال منطقه‌ای شدن جنگ و به‌ویژه ورود جمهوری اسلامی به آن نزدیک به صفر است. به گمانم تنش و منازعه در فضای پیرامونی باب‌المنندب و در شاخه‌ای عادی و نه خیلی سنگین همچنان استمرار خواهد یافت.